

ثمرات فقهی - اقتصادی

دفعی یا تدریجی بودن تحریم ربا در قرآن

سید عباس موسویان

مقدمه

از تفاوت‌های اساسی اقتصاد اسلامی با سایر نظام‌ها، تحریم ربا و بهره است و این در حالی است که امروزه قرض‌های با بهره، به شکل اوراق قرضه، وام‌ها و سپرده‌های بانکی از مهم‌ترین ابزارهای پیشرفت اقتصادی به حساب می‌آید. بر این اساس، برخی صاحب‌نظران کوشیده‌اند راه حلی برای این مسئله پیدا کنند. از جمله این راه‌ها، نظریه اختصاص ربای محرم به ربای فاحش بود که به تبع اقتصاددانان مسیحی از سوی برخی اندیشمندان مسلمان مطرح گردید. در جواب از آن، نظریه تدریجی بودن تحریم ربا مطرح شد و نشان داد که قرآن بر فرض هم در بعضی مراحل، خصوص ربای فاحش را حرام کرده باشد، در مرحله نهایی آن را به طور کلی تحریم نموده است. در حال حاضر نظریه سومی که قصد کاربردی کردن مفاهیم قرآن را دارد وارد گفت‌وگو شده است و در عین پذیرش تحریم مطلق ربا، معتقد است همانند وضعیت صدر اسلام، در وضعیت کنونی کشورهای اسلامی، تحقق کامل احکام ربا مقدور نیست، از این رو در مقام اجرا باید شیوه تحریم تدریجی را در پیش گرفت. مقاله‌ای که در پیش رو دارید به نقد و بررسی نتایج فقهی - اقتصادی این نظریه‌ها می‌پردازد.

کیفیت تشریح احکام

آیات قرآن و احکام نورانی اسلام به تدریج و طی ۲۳ سال به تناسب شرایط اجتماعی و آمادگی امت اسلامی بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل می‌شد و توسط آن حضرت به اطلاع مردم

۸۷

می‌رسید. بدین ترتیب، پیامبر ﷺ از یک سو با گسترش تعالیم اثباتی اسلام روح ایمان و اخوت را در جامعه می‌گستراند و از سوی دیگر، با مبارزه با بینش‌ها، پندارها و رفتارهای غلط جاهلی زمینه‌های شرک و بت‌پرستی و ظلم و عداوت را از بین می‌برد.

مبارزه اسلام با پدیده‌های نامطلوب اجتماعی دو گونه بود: با مواردی مانند بت‌پرستی که تضاد قطعی و صریح با تعالیم نورانی اسلام داشت، به صورت دفعی و قاطع برخورد می‌کرد و در مواردی که از یک سو تضاد صریح با اسلام نداشت و از سوی دیگر به صورت یک عادت فراگیر درآمده بود، به صورت تدریجی مبارزه می‌کرد که برداشتن شرابخواری از این قبیل است.

شرابخواری قبل از ظهور اسلام رواج فوق‌العاده داشت و به صورت یک بلای عمومی درآمده بود، به طوری که اگر اسلام می‌خواست بدون رعایت اصول روانی و اجتماعی با این بلای عمومی به مبارزه برخیزد، ممکن نبود؛ لذا از روش تحریم تدریجی و آماده ساختن افکار عمومی استفاده کرد و شرابخواری را در چهار مرحله تحریم نمود.^۱ در مرحله نخست خداوند به ناپسند بودن این عمل اشاره کرد و فرمود:

از میوه‌های درخت نخل و انگور، مسکرات و روزی‌های پاکیزه فراهم می‌کنید.^۲

در این آیه «سکر» به معنی شراب مسکر، در مقابل رزق حسن قرار داده شده است و این دلالت بر ناپسند بودن آن در پیشگاه خداوند دارد، ولی عادت زشت شرابخواری در میان اعراب ریشه‌دارتر از آن بود که با این اشاره‌ها ریشه‌کن شود، علاوه بر این که اعراب جاهلی از طریق شراب درآمد اقتصادی داشتند که حاضر نبودند به سادگی از آن دست بردارند. به این جهت در مرحله دوم لحن قرآن تغییر کرد و خطاب به پیامبر فرمود:

درباره شراب و قمار از تو سؤال می‌کنند. بگو: در آن دو، گناهی بزرگ و سودهایی برای مردم است، ولی گناهشان از سودشان بزرگ‌تر است.^۳

در مرحله سوم با بیان گویاتر می‌فرماید:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در حال مستی به نماز نزدیک نشوید، تا بدانید چه می‌گویید.^۴

مفهوم آیه این نبود که در غیر حال نماز، نوشیدن شراب مجاز است، بلکه در پی تحریم تدریجی و مرحله به مرحله شراب بود و به عبارت دیگر، آیه نسبت به غیر حال نماز سکوت داشت و صریحاً چیزی نمی‌گفت.

بالآخره بعد از آشنایی مسلمانان با احکام اسلام و آمادگی فکری آنان برای ریشه‌کن

کردن این مفسده بزرگ اجتماعی، دستور نهایی با صراحت کامل و بیان قاطع، نازل گردید:
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شراب و قمار و بت‌ها و تیره‌های قرعه، پلید و از عمل شیطان‌اند.
پس از آن‌ها دوری گزینید، باشد که رستگار شوید.^۵

نظریه تدریجی حرمت ربا

گروهی از مفسران و محققان اقتصاد اسلامی، تحریم ربا را همانند تحریم شرابخواری به صورت تدریجی می‌دانند. این افراد معتقدند: در عصر ظهور اسلام در جزیره العرب، رباخواری چنان گسترده بود که امکان تحریم دفعی آن وجود نداشت، لذا خداوند متعال با فرستادن آیات مختلف از آغاز بعثت، ربا را مورد نکوهش قرار داد و به تدریج زمینه تحریم قاطع و فراگیر آن را فراهم نمود.

از بررسی آثار نویسندگان اسلامی به دست می‌آید که نظریه تدریجی بودن تحریم ربا را نخست استاد اسماعیل خلیل در سال ۱۳۲۶ ق، ضمن سلسله درس‌هایی که در قاهره داشت، بیان نمود. سپس دکتر محمد عبدالله دراز آن را در کنفرانسی که به سال ۱۹۵۱ م در پاریس تشکیل شده بود، مطرح ساخت و در کتاب *الربا فی نظر القانون الاسلامی* منتشر کرد^۶ و بعد از وی دانشوران زیادی به تبعیت از او یا با تحقیق مستقل، این نظر را پذیرفتند.^۷ این گروه از علما گرچه در جزئیات مسئله با هم اختلاف دارند (به طوری که بعضی از آن‌ها مراحل تشریح را سه مرحله، برخی چهار مرحله و برخی پنج مرحله می‌دانند) لکن همگی بر این باورند که تحریم ربا همانند تحریم شرابخواری طی مراحل تدریج صورت گرفت. نخست به صورت موعظه و نصیحت بود، سپس تحریم جزئی اعمال گردید و سرانجام به شکل قطعی و کلی تحریم شد.

قبل از اظهار نظر پیرامون صحت یا عدم صحت نظریه تدریجی بودن تحریم ربا، ابتدا مراحل تشریح حرمت را مطابق این نظریه مطرح می‌کنیم، سپس با تفسیر آیات مربوطه، به نقد و بررسی این نظریه می‌پردازیم.

مراحل تشریح حرمت ربا

چنان که گذشت قائلین به نظریه تدریجی، از جهت کم و کیف مسئله دیدگاه واحدی ندارند. در این جا به طرح دیدگاه پنج مرحله‌ای می‌پردازیم که دیدگاه‌های دیگر را نیز در بر دارد.

مرحله نخست: تحریم ربا برای پیامبر ﷺ

برخی از قائلین به نظریه تدریج معتقدند اولین آیه‌ای که در ارتباط با ربا نازل شده، آیه

ششم سوره مدثر است که خطاب به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید:

وَلَا تَنْتُنْ تَسْتَكْبِرُ؛

منت مگذار و فزونی مطلب.

طبرسی از ابی‌مسلم نقل می‌کند که این آیه بر نهی از ربا دلالت دارد و به پیامبر می‌گوید: چیزی را عطا نکن در حالی که بیش از آن چه که داده‌ای مطالبه کنی.^۸ از نویسندگان متأخر نیز دکتر عبداللطیف مشهور گفته است: این آیه اولین اشاره از طرف خداوند متعال در مورد تحریم رباست و او این برداشت را به «ابن تیمیه» نسبت می‌دهد و مدعی است کسی جز وی این نکته را متوجه نشده است.^۹

مرحله دوم: ناپسند شمردن رباخواری

اکثر قائلین به نظریه تدریج معتقدند: خداوند متعال با فرستادن آیه ۳۹ سوره روم اعلام کرد که رباخواری از دیدگاه خداوند عملی ناپسند و نامطلوب است:

وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رِبَا لِيُرِيُوْا فِيْ اَمْوَالِ الْاَنْسَاءِ فَلَا يَرْبُوْا عِنْدَ اللّٰهِ وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُوْنَ وَجْهَ اللّٰهِ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُوْنَ؛

آن چه به‌عنوان ربا می‌پردازید تا در اموال مردم فزونی یابد، نزد خدا فزونی نخواهد یافت و آن چه را به عنوان زکات می‌پردازید و تنها رضای خدا را می‌طلبید (مایه برکت است، و) کسانی که چنین می‌کنند دارای پاداش مضاعف‌اند.

این آیه اولین هشدار بود که از جانب خداوند در مورد ربا برای مردم نازل شد. در این آیه خداوند متعرض حکم تحریم ربا نمی‌شود، بلکه تنها می‌فرماید که ربا مورد پسند خدا نیست و به آن پاداش نمی‌دهد، به خلاف اموالی که در راه او به عنوان صدقه داده می‌شود که آن‌ها را برکت می‌دهد. بدین ترتیب خدا ادعای کسانی را رد می‌کند که می‌گفتند: «ما با دادن قرض ربوی به نیازمندان کمک می‌کنیم تا بتوانند مایحتاج زندگی‌شان را به دست آورند و از این طریق به خدا نزدیک می‌شویم».

مرحله سوم: نقل حکایت عبرت‌آموز رباخواری یهود

قائلین به نظریه تدریج معتقدند: خداوند متعال در مرحله بعد با نقل داستان رباخواری یهود و این که آنان به خاطر این عمل ناپسند هم در دنیا جریمه شدند و هم در آخرت عذابی دردناک در انتظارشان هست، به مسلمانان هشدار داد که منتظر تشریح چنین حکمی با چنین پیامدهایی باشند:

قَبِطْهُمْ مِنَ الَّذِيْنَ هَادُوْا حَرَمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ اُحِلَّتْ لَهُمْ وَبِضْعِهِمْ عَنِ سَبِيْلِ اللّٰهِ كَثِيْرًا *

وَأَخْذِهِمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَاباً أَلِيماً؛^{۱۰}

پس به سزای ستمی که از یهودیان سر زد و به سبب آن که (مردم را) بسیار از راه خدا باز داشتند، چیزهای پاکیزه‌ای را که بر آنان حلال شده بود حرام گردانیدیم، و (به سبب) رباگرفتنشان - با آن که از آن نهی شده بودند - و به ناروا مال مردم خوردنشان. و ما برای کافران آنان عذابی دردناک آماده کرده‌ایم.

ظهور این آیه اگرچه در ارتباط با قوم یهود است لکن قرار گرفتن ربا در ردیف جرایمی چون ظلم، بازداشتن مردم از راه خدا و خوردن اموال مردم به ناحق که حرمتشان شدید و قطعی است و اختصاص به آیین خاصی ندارد، برای مسلمانان هشدار بود که به زودی ربا برای آنان نیز تحریم خواهد شد.

مرحله چهارم: تحریم ربای فاحش

به اعتقاد قائلین به نظریه تدریج، خداوند متعال در این مرحله با فرستادن آیاتی از قرآن، نوع خاصی از ربا یعنی ربای فاحش را برای مسلمانان تحریم کرد و فرمود:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافاً مُضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ * وَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ؛^{۱۱}

ای کسانی ایمان آورده‌اید، ربا را چندین برابر مخورید و از خدا پروا کنید، باشد که رستگار شوید، و از آتشی که برای کافران آماده شده است بترسید.

همان‌طور که در تحریم تدریجی شرابخوری، در مرحله سوم بعضی از مصادیق شرابخوری تحریم شد، در این مرحله از تحریم ربا نیز مصادیق خاصی از رباخواری، مصادیقی که در آن‌ها ربا به چند برابر اصل بدهی می‌رسد (ربای فاحش و نرخ بهره‌های بالا) برای مسلمانان تحریم شد.

مرحله پنجم: تحریم قاطع و کلی ربا

در این مرحله خداوند با فرستادن آیاتی دیگر، به صورت قاطع، روشن و کلی هر نوع رباخواری را ممنوع کرد و آن را از مصادیق پیکار با خدا و رسول خدا قلمداد نمود:

الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَتُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ * يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُزِيلُ الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ * ... يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ * فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِخَبْرٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبَسِّمُوا فَلَكُمْ

رُؤُوسَ أَمْوَالِكُمْ لَا تَحْبُطُونَ وَلَا تَحْبُطُونَ؛ ۱۲

کسانی که ربا می‌خورند، بر نمی‌خیزند مگر مانند برخاستن کسی که شیطان بر اثر تماس، آشفته‌اش کرده است. این بدان سبب است که آنان گفتند، داد و ستد مانند ریاست، و حال آن که خدا داد و ستد را حلال و ربا را حرام گردانیده است. پس، هر کس، اندرزی از جانب پروردگارش بدو رسید و (از رباخواری) باز ایستاد، آن چه گذشته، از آن اوست، و کارش به خدا واگذار می‌شود، و کسانی که (به رباخواری) بازگردند، آنان اهل آتش‌اند و در آن ماندگار خواهند بود. خدا از (برکت) ربا می‌کاهد و بر صدقات می‌افزاید و خداوند هیچ ناسپاس گناه‌کاری را دوست نمی‌دارد... ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا پروا کنید، و اگر مؤمنید، آن چه از ربا باقی مانده است واگذارید و اگر (چنین) نکردید، بدانید به جنگ با خدا و فرستاده وی، برخاسته‌اید و اگر توبه کنید، سرمایه‌های شما از آن خودتان است، نه ستم می‌کنید و نه ستم می‌بینید.

چنان‌که از آیات فوق بر می‌آید، در این مرحله هر ربایی، چه فاحش و چه غیرفاحش، به صورت قاطع و روشن تحریم شد و رباخواران به انواع گرفتاری‌های دنیوی و اخروی تهدید شدند.

بدین ترتیب، خداوند از همان آغاز بعثت متناسب با شرایط روحی و اجتماعی امت اسلامی، با فرستادن آیات مختلف، زمینه را برای مبارزه با پدیده شوم رباخواری که شبه جزیره عربستان را فراگرفته بود فراهم نمود و در سال‌های آخر عمر شریف پیامبر ﷺ، با فرستادن آیات صریح و قاطع سوره بقره، رباخواری را از جامعه اسلامی ریشه کن کرد؛ به طوری که تا صد سال اخیر و رواج بانکداری ربوی و نفوذ نظام سرمایه‌داری در کشورهای اسلامی، ربا و رباخواری از معاصی بزرگ به حساب می‌آمد و کم‌تر کسی جرئت نزدیک شدن به آن را داشت.

آثار و نتایج نظریه تدریج

هر نظریه علمی، گذشته از بحث علمی که در حدّ خود برای اندیشوران مطلوب است، معمولاً آثار و نتایج نظری و کاربردی به همراه دارد. نظریه تدریجی بودن تحریم ربا نیز علاوه بر جهات علمی از حیث نظری و کاربردی دو ثمره مهم همراه دارد.

الف - ثمره نظری نظریه تدریج

بعد از رنسانس و فروپاشی حاکمیت کلیسا بر کشورهای اروپایی، تفسیرهای جدیدی از متون دینی و تعالیم حضرت مسیح ارائه شد که تفسیر جدید ربا، از آن موارد است. تا عصر روشنگری، علمای مسیحیت همانند علمای اسلام، هر نوع زیاده در مقابل قرض را ربا و

حرام می‌دانستند ولی از آن تاریخ به بعد، به تدریج این فکر مطرح شد که بین ربا و بهره عادلانه فرق هست و ربا اختصاص به مواردی دارد که بهره قرض، فاحش و غیرمتمعارف باشد.

بعد از گسترش روابط مسلمانان با اروپا و نفوذ تدریجی نظام سرمایه‌داری در کشورهای اسلامی و تأسیس بانک‌های غربی در این کشورها، زمینه طرح این شبهه به وجود آمد که: «در اسلام نیز مانند مسیحیت تنها بهره‌های فاحش و غیرعادلانه حرام است». پیرو همین فکر در اواخر قرن نوزدهم، مباحثات زیادی بین دولت عثمانی و صاحبان بانک‌ها و مؤسسات پولی از یک طرف و علمای آن کشور از طرف دیگر، درباره ربا و بهره مطرح شد و در نهایت کار به آنجا کشید که جمعی از علمای اهل سنت به حلال بودن بهره‌های کم، حکم دادند و در بیانیه‌ای در دهم شوال ۱۳۲۸ ق اعلام نمودند:

مشایخ اسلام مقرر داشته‌اند که اموال ودیعه گذاشته شده در بانک، یا اموال قرض گرفته شده و برگردانده شده و مبالغی که از بانک گرفته می‌شود یا به هر صورتی در آن جا می‌ماند، تا موقعی که با بهره‌های اندک باشد حلال است.^{۱۳}

یکی از مستندات این گروه بر این ادعا، آیه ۱۳۰ آل عمران می‌باشد؛ برای مثال، شیخ عبدالعزیز جاویش از علمای الازهر مصر در این باره می‌گوید: طبق آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالًا مَّضَاعَفَةً» خداوند متعال مطلق ربا را حرام نکرد، بلکه آن ربایی را حرام نمود که وصف «أَمْوَالًا مَّضَاعَفَةً» داشته باشد؛ یعنی بهره آن چند برابر اصل بدهی گردد.^{۱۴} بعد از جاویش، افراد بسیاری جهت تجویز بهره‌های اندک به این آیه استناد کردند؛ به طوری که امروزه در قانون مدنی اکثر کشورهای عربی، نرخ بهره‌های کم، ربا تلقی نشده است.^{۱۵}

یکی از نقاط مثبت نظریه تدریج این بود که قائلین آن نظریه با منطقی روشن در مقابل شبهه مذکور ایستادند و گفتند: در مسائلی که قرآن به صورت تدریجی مطرح کرده است، نمی‌توان به مراحل متوسط استناد کرد، بلکه بایستی به مرحله نهایی و آیات نازل در آخرین مرحله استدلال نمود. پس همان‌طور که نمی‌توان به آیات مرحله سوم شرابخواری استناد کرد و حرمت شرابخواری را به شرابخواری موقع نماز منحصر نمود، در مسئله تحریم ربا نیز نمی‌توان به آیات سوره آل عمران استدلال نمود؛ بلکه بایستی به آیات سوره بقره که در آخرین مرحله به صورت قطعی و کلی ربا را تحریم می‌کنند، استناد کرد.

ب - ثمره کاربردی نظریه تدریج

مطابق استدلال قائلین به نظریه تدریج، از آن جاکه عمل رباخواری گسترش فوق العاده‌ای در جزیره العرب آن روز داشت و امکان مبارزه دفعی و قاطع نبود، خداوند متعال با فرستادن آیات مختلف در مراحل چهار یا پنج‌گانه، با این عمل ناپسند، به مبارزه پرداخت و در نهایت در سال‌های واپسین عمر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به تحریم کلی و قاطع اقدام نمود. از این شیوه برخورد، استفاده می‌کنیم که اگر امروزه جامعه‌ای از جهت ابتلا و گسترش معاملات ربوی شرایط عصر نبوی را داشت، باید در مبارزه با رباخواری روش تدریج را در پیش گیرد و از آن جاکه غالب کشورهای اسلامی امروزه در سطح وسیعی از جهت بازارهای مالی و نظام بانکی به معاملات ربوی مبتلا هستند، نمی‌توان تحول دفعی و تغییر قاطع را انتظار داشت، بلکه علمای اسلام و متولیان امر باید با تبلیغ و موعظه و اتخاذ تدابیر لازم، زمینه را برای مبارزه تدریجی و حذف کامل ربا فراهم کنند.

نقد و بررسی نظریه تدریج

برای ارزیابی علمی نظریه تدریج، آیات مراحل پنج‌گانه را از جهت زمان نزول و محتوا مورد بررسی قرار می‌دهیم و در این بررسی تنها به مطالبی می‌پردازیم که در تأیید و یا رد نظریه فوق دخالت دارد.

بررسی مرحله نخست (سوره مدثر، آیه ۶)

برای بررسی دقیق آیه مرحله نخست لازم است آیات قبل از آن، مورد توجه قرار گیرد.

يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ قُمْ فَأَنْذِرْ وَرَبِّكَ فَكَبِّرْ وَتِيَابِكَ فَطَهِّرْ وَالرُّجْزِ فَاهْبُجْزْ وَلَا تَمُنْ بِتَسْكِينِ وَرَبِّكَ فَاصْبِرْ؛^{۱۶}

ای کشیده ردای شب بر سر، برخیز و بترسان. و پروردگار خود را بزرگ دار. و لباس خویش را پاک کن. و از پلیدی دور شو. و منت مگذار و فزونی مطلب. و برای پروردگارت شکیبایی کن.

زمان و شأن نزول

این سوره جزء اولین سوره‌هایی است که بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شده است؛ به طوری که گفته‌اند: اولین آیاتی که بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نازل شد، هفت آیه نخست این سوره بود و نیز گفته‌اند: بعد از سوره علق این‌ها اولین آیات بود و به باور برخی، اولین آیاتی که بعد از علنی شدن دعوت اسلام نازل شد، این هفت آیه است.^{۱۷}

از میان شأن نزول‌هایی که برای این آیات نقل شده، آنچه با سیاق آن‌ها تناسب دارد این است که: سران مشرکان عرب در آستانه موسم حج به شور پرداختند که در برابر

سؤالات مردمی که از اطراف به مکه می‌آیند و مطالبی دربارهٔ ظهور پیامبر اسلام ﷺ شنیده‌اند، چه بگویند؟ اگر هر کدام جواب جداگانه‌ای بدهند، اثر منفی خواهد گذاشت، پس باید با وحدت کلمه به مبارزهٔ تبلیغاتی بر ضد پیامبر ﷺ برخیزند. نتیجهٔ گفت‌وگو این شد که بهتر از همه این است که بگویند: ساحر است! زیرا یکی از آثار پدیدهٔ سحر، جدایی افکندن میان دو همسر و پدر و فرزند است و پیامبر ﷺ به گمان ایشان، با عرضهٔ آیین اسلام، چنین کاری را انجام داده بود. این سخن به گوش رسول خدا ﷺ رسید. سخت ناراحت شد، غمگین به خانه آمد و در بستر آرمید. پس آیات فوق نازل شد و او را دعوت به قیام و مبارزه کرد.^{۱۸}

تفسیر آیه

در تفسیر آیه «وَلَا تَعْتُنَّ تَسْتَكْبِرُوا» بین مفسران اختلاف است و می‌توان نظرات آنان را در نه معنا جمع‌بندی کرد:

۱ - مقصود این است که: ای پیامبر! وقتی اوامر الهی را امتثال کردی، یعنی قوم خود را انذار کردی و پروردگار خود را بزرگ شمردی و جامه‌ات را تطهیر کردی و از پلیدی‌ها دوری نمودی، بر خداوند منت مگذار؛ در حالی که اطاعت خود را بزرگ و بسیار ببینی و نسبت به آن عجب ورزی. روایتی نیز بر همین مضمون از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

لَا تَسْتَكْبِرُوا مَا عَمِلْتُمْ مِنْ خَيْرٍ لِلَّهِ؛

ای پیامبر! کار نیکی را که برای خدا انجام می‌دهی هرگز زیاد مشمار.^{۱۹}

مفسران زیادی چون علامه طباطبائی، سیدقطب، طبری و ربیع بن انس، این معنا را پسندیده و گفته‌اند: این بهترین معنایی است که با سیاق آیات تناسب دارد.^{۲۰}

۲ - ای پیامبر! چیزی به مردم هدیه نده، به امید این که بیش‌تر از آن را به تو هدیه دهند.

این معنا نیز در روایات آمده است:

لَا تُعْطِ تَلْتَمِسَ أَكْثَرَ مِنْهَا؛^{۲۱}

چیزی را به دیگری عطا مکن که انتظار بیش‌تر از آن را داشته باشی.

از مفسران، ابن عباس، مجاهد، قتاده، نخعی، ضحاک، عکرمه، زمخشری، طبرسی، قرطبی، ابن کثیر، شبر و آلوسی این معنا را پذیرفته‌اند.^{۲۲}

اکثر این گروه گفته‌اند: این حکم اختصاص به پیامبر اکرم ﷺ دارد و برای مردم جایز است به امید گرفتن هدیهٔ بیش‌تر به یکدیگر هدیه دهند. برخی نیز چون زمخشری

گفته‌اند: در آیه دو احتمال هست: اگر مقصود از نهی، تحریم باشد، اختصاص به پیامبر ﷺ دارد، اما اگر مراد کراهت و تنزیه باشد، عام است و شامل مسلمانان نیز می‌گردد.

۳- ای پیامبر! به خاطر نعمت نبوت و قرآنی که خداوند به تو عطا فرموده است، بر مردم منت مگذار، تا بدین وسیله اجر بیش‌تری از آنان بگیری. این معنا را مفسران از ابن‌زید نقل کرده‌اند.^{۲۳}

۴- ای پیامبر! به خیال این که طاعت تو بسیار است، در انجام وظیفه سست مشو. این معنا از مجاهد نقل شده است.^{۲۴}

۵- ای پیامبر! وقتی به مردم چیزی عطا می‌کنی بر آنان منت مگذار و بخشش خود را بسیار ندان. این معنا را زمخشری مطرح کرده است.^{۲۵}

۶- از زید بن اسلم نقل شده که: ای پیامبر! وقتی هدیه‌ای به کسی می‌بخشی، به خاطر پروردگارت باشد و صبر کن تا پاداش دهنده‌ات او باشد.^{۲۶}

۷- ای پیامبر! در مقابل آن چه از امور دینی به مردم یاد می‌دهی، بر آنان منت مگذار و عمل خود را زیاد میندار. این معنا را فخر رازی به عنوان یک احتمال مطرح کرده و طنطاوی آن را پذیرفته است.^{۲۷}

۸- بعضی از مفسران معنای عامی را مطرح ساخته و معانی گذشته را تحت آن قرار داده‌اند: ای پیامبر! در مقابل هیچ کاری (انجام تکالیف، نبوت، هدایا و غیره) بر هیچ‌کس (خدا، مردم) منت مگذار و آن عمل را بزرگ بشمار.^{۲۸}

۹- ای پیامبر! اگر به کسی قرض می‌دهی برای این نباشد که بیش‌تر از آن را مطالبه کنی.

چنان که قبل از این گفتیم، این معنا را طبرسی از ابی‌مسلم نقل می‌کند. وی معتقد بود: خداوند با این آیه از رباخواری نهی فرموده است.^{۲۹} عبداللطیف مشهور از نویسندگان معاصر اهل سنت نیز گفته است: این آیه اولین اشاره از طرف خداوند متعال در مورد تحریم ریاست و این برداشت را به ابن‌تیمیه نسبت داده است.^{۳۰}

با توجه به سیاق آیات قبل و بعد و با توجه به زندگی پیامبر اکرم ﷺ که هیچ سابقه رباخواری از ایشان نقل نشده است و با توجه به این که غالب مفسران معنایی غیر از معنای نهم از آیه شریفه فهمیده‌اند، حمل آیه بر معنای نهم و قرار دادن آن از آیات تحریم ربا، به شدت ضعیف و موهون است. بنابراین، این آیه نمی‌تواند مؤید نظریه تدریج باشد و از آیات مراحل تحریم ربا به حساب آید.

معروف است که تمام سوره روم مکی است؛ به طوری که برخی از مفسران بر این امر ادعای اجماع^{۳۱} و عدم خلاف کرده‌اند.^{۳۲} البته علامه طباطبائی در ذیل این آیه می‌گوید: این آیه و آیات پیش از آن به آیات مدنی شبیه‌ترند تا به مکی، و این که بعضی ادعای وجود روایت یا اجماع بر مکی بودن آن نموده‌اند، گفته آنان اعتباری ندارد. با وجود این،^{۳۳} خود علامه در تفسیر آیات ربای سوره بقره، همین آیه سوره روم را مکی می‌داند.^{۳۴}

تفسیر آیه

در تفسیر این آیه مفسران شش معنا مطرح کرده‌اند:

۱ - تعداد زیادی معتقدند که این آیه در مورد هدیه و عطیه است و ارتباطی به ربای حرام ندارد؛ یعنی خداوند می‌فرماید: آن هدایایی که به منظور دریافت پاداشی بیش‌تر و بهتر به مردم می‌دهید، پیش خداوند ارزشی ندارد؛ زیرا در این گونه هدایا، نه استحقاق فرد در نظر گرفته می‌شود و نه شایستگی‌ها و اولویت‌ها، بلکه تمام توجه به این است که هدیه به کسی داده شود که هدیه بهتری برگرداند و طبیعی است چنین کاری که جنبه اخلاص در آن نیست، از نظر اخلاق و معنویت فاقد ارزش است و در مقابل، آن انفاق‌هایی که تنها با هدف جلب رضایت الهی انجام می‌شود، پیش خداوند ارزش بسیار دارد و صاحبان آن پاداش مضاعف دریافت می‌کنند.

در روایات نیز این آیه به معنای هدیه تفسیر شده است؛ برای مثال، از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

ربا دو نوع است: ربای حلال و ربای حرام. اما ربای حلال عبارت است از این که به فردی هدیه‌ای بدهی، در حالی که می‌خواهی پاداش بهتری از او بگیری. این ربایی است که می‌توان خورد و همین است معنای قول خداوند - عز و جل - که می‌فرماید: «وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رِبَاً لِيَرْبُؤَا فِيْ اَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُؤَا عِنْدَ اللّٰهِ» و اما ربای حرام عبارت است از ربایی که خداوند از آن نهی کرده و مرتکب شونده آن را وعده آتش جهنم داده است.^{۳۵}

اهل سنت نیز در ذیل این آیه از عکرمه نقل کرده‌اند:

ربا دو نوع است: ربای حلال و ربای حرام. اما ربای حلال عبارت است از هدیه‌ای که داده می‌شود به انتظار این که پاداش بهتری به دنبال داشته باشد و ...^{۳۶}

مفسران زیادی چون ابن عباس، مجاهد، طاووس، ابوعلی، سعید بن جبیر، ابراهیم،

- قتاده، ضحاک، عکرمه، طبری، قمی، شبر و طنطاوی این تفسیر را پذیرفته‌اند.^{۳۷}
- ۲- ابن عطیه معنای وسیعی برای آیه مطرح می‌کند و می‌گوید: منظور خداوند متعال این است که هر کاری را که انسان انجام می‌دهد (بخشش یا غیر آن) تا بهتر از آن را در مورد او انجام دهند، پیش خداوند ارزش ندارد، حتی سلام کردن، پس بایستی کارهای خیر را تنها به خاطر خدا انجام داد.^{۳۸}
- ۳- ابن عباس و نخعی گفته‌اند: آیه در مورد افرادی است که به خویشاوندان خود، مالی را قرض می‌دهند تا آنان با به کارگیری آن مال، ثروتمند شوند.^{۳۹}
- ۴- شعبی و عامر گفته‌اند: مراد خداوند کسی است که همراه دیگری به مسافرت می‌رود تا او را کمک کرده و خدمت نماید و در مقابل، بخشی از سود را به عنوان پاداش بگیرد. از آن جاکه این خدمت به قصد رسیدن به مال بوده است نه به خاطر خدا، پس نزد خداوند ارزشی ندارد.^{۴۰}
- ۵- عده‌ای از مفسران مانند حسن، جبایی، سدی، زمخشری، آلوسی و علامه طباطبائی معتقدند که این آیه در ارتباط با ربای معروف یعنی ربای حرام است. حسن و زمخشری می‌گویند: این آیه دقیقاً به معنی آیه «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُزِيلُ الْأَسَدَقَاتِ»^{۴۱} است و معنای این آیه می‌شود: آن چه شما رباخواران از اموالتان می‌دهید تا در اموال مردم رشد و نمو کند، از نظر خداوند رشد نمی‌کند.^{۴۲} جبایی می‌گوید: معنای آیه این است که آن چه از مالتان را به صورت ربا در اختیار دیگران قرار می‌دهید تا به این وسیله ثروت خود را زیاد کنید، پیش خداوند زیاد نمی‌شود و آن چه گرفته است در مالکیت صاحب قبلی باقی می‌ماند.^{۴۳} آلوسی می‌گوید: مراد از ربا در این آیه، همان زیادی معروف در معامله است که خداوند آن را تحریم کرده است.^{۴۴}
- علامه طباطبائی می‌فرماید: اگر این آیه مکی باشد مراد از «ربا» هدیه و بخشش است، اما اگر مدنی باشد، مراد از آن ربای حرام و مراد از «زکاة» زکات واجب است و نیز در تفسیر آیات ربا در سوره بقره، در عین حال که این آیه سوره روم را مکی می‌دانند معتقدند: مراد از آن همان ربای محرم است.^{۴۵}
- ۶- معنای ششم معنایی است که قبلاً از قائلین به نظریه تدریج نقل کردیم و آن این است که: این آیه اگرچه در مورد ربای معروف است لکن خداوند در این آیه حکمی در مورد آن صادر نکرده و تنها به بیان این مطلب که رباخواری از نظر خداوند عمل نامطلوب

و ناپسندی است، اکتفا کرده است.

نتیجه: از بررسی اقوال مفسران و روایات وارد شده در ذیل آیه به دست می‌آید که نظر غالب در این آیه، معنای اوّل و پنجم است؛ به این معنا که اگر معتقد باشیم می‌توان با استناد به خبر واحد از ظهور قرآن دست برداشت، با استناد به روایات منقول از طریق شیعه و اهل سنت معتقد می‌شویم که آیه دربارهٔ ربای حلال و هدیه سخن می‌گوید و اگر قائل شویم که نمی‌توان با خبر واحد از ظهور قرآن رفع ید کرد، معنای پنجم صحیح‌تر است؛ چرا که ظهور آیه در ربای معروف و محرم است، علاوه بر این که مطالعه تاریخ اسلام نیز نشان می‌دهد که ربا در سال‌های نخستین اسلام و در مکه حرام شده بود. به هر حال، هیچ شاهد و مؤیدی برای معنای ششم وجود ندارد؛ چون مفسرانی که معنای پنجم را مطرح کرده‌اند همگی بر این نظرند که این آیه همانند آیات سورهٔ بقره، بر تحریم ربا دلالت می‌کند.

بررسی مرحله سوم (سورهٔ نساء، آیه ۱۶۱)

زمان نزول

مطابق نظریه تدریج، آیه‌های مربوط به مرحله سوم، بعد از آیهٔ ۳۹ سورهٔ روم و قبل از آیه‌های ۱۳۰ و ۱۳۱ سورهٔ آل عمران، نازل شده‌اند و خداوند با فرستادن این آیه‌ها و طرح داستان عبرت‌آموز یهود، قصد داشت مسلمانان را برای نزول آیه‌های سورهٔ آل عمران و تحریم ربا برای مسلمانان آماده کند. لکن مطابق تحقیق علمای علوم قرآن، مشهور این است که سورهٔ نساء بعد از سورهٔ آل عمران نازل شده است.^{۴۶} بنابراین، این آیه‌ها چون بعد از تحریم ربا در سورهٔ آل عمران نازل شده‌اند، نمی‌توانند زمینه ساز تحریم به حساب آیند. **شان نزول و محتوای آیه**

از جهت شأن نزول گفته‌اند: بعد از هجرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مدینه و تشکیل حکومت اسلامی، نگرانی‌هایی برای یهودیان مدینه به وجود آمد، لیکن امیدوار بودند پیروان آیین جدید، توسط اقوام خودشان (مشرکین مکه) شکست خورده و از بین بروند، به همین خاطر تا مدتی با آنان مخالفت جدی نکردند و بر پیمانی که با پیامبر صلی الله علیه و آله بسته بودند وفادار ماندند. به تدریج که اسلام عزت و عظمت پیدا کرد، امید یهودیان به یأس تبدیل شد و به فکر مبارزه با اسلام و مسلمانان افتادند. این مبارزه در آغاز به شکل مبارزهٔ فکری و فرهنگی بود. آنان با طرح خواسته‌های عجیب و غیرمعقول، قصد عاجز کردن پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان را داشتند^{۴۷} و این آیه و آیات قبل از آن اشاره به یکی از این

مبارزه‌ها دارد.

مطابق نقل مفسران، گروهی از یهودیان پیش پیامبر ﷺ آمدند و گفتند: ای محمدا! اگر تو واقعاً پیامبر خدا هستی همان طور که حضرت موسی تورات را به صورت کامل و یک‌جا آورد، توهم جلو چشم ما به آسمان برو و یک کتاب کامل بیاور. خداوند با فرستادن آیات ۱۵۳ به بعد سوره نساء، توطئه یهودیان را افشا کرد و به پیامبر ﷺ خبر داد که خواسته‌های یهودیان به قصد هدایت نیست بلکه به جهت عناد و دشمنی است؛ و آنان قبل از این، از حضرت موسی درخواست‌های بزرگ‌تری می‌کردند و می‌گفتند: خداوند را آشکارا به ما نشان بده و ... سپس خداوند متعال اعمال و رفتار نکوهیده یهودیان را یادآور می‌شود و می‌فرماید: ^{۴۸} «فَبَطَّلِم مِّنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمًا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّت لَّهُمْ...» و از جمله اعمال ناپسند یهود این بود که خداوند ربا را بر آنان حرام کرده بود و آنان با انواع توجیه‌ها و حيله‌ها رباخواری می‌کردند.

بنابراین، این آیات نیز از جهت تاریخ و شأن نزول و محتوا نمی‌توانند مؤیدی برای نظریه تدریج باشند.

بررسی مرحله چهارم (سوره آل عمران، آیه‌های ۱۳۰ و ۱۳۱)

زمان و شأن نزول

چنان که گذشت سوره آل عمران از سوره‌های مدنی و سومین سوره‌ای است که در مدینه بر پیامبر اکرم ﷺ نازل شده است.^{۴۹} در شأن نزول این دو آیه آمده است: مشرکان مکه بعد از شکست جنگ بدر، با هزینه کردن اموالی که از ربا جمع‌آوری کرده بودند، لشکری علیه مسلمانان تجهیز کردند و این انگیزه‌ای شد که بعضی از مسلمانان نیز به این فکر بیفتند که از طریق ربا مالی جمع کرده، لشکری آماده سازند و از مشرکان انتقام بگیرند. خداوند متعال با فرستادن این آیه‌ها آنان را از این کار نهی فرمود.^{۵۰}

تفسیر آیه‌ها

این آیه‌ها در حقیقت اولین آیه‌هایی بود که خداوند متعال با فرستادن آن‌ها به طور صریح مسلمانان را از رباخواری نهی کرد، زیرا چنان که گذشت، آیه سوره مدثر بر حرمت ربای معروف دلالتی ندارد و آیه سوره روم محل خلاف بوده و از صراحت برخوردار نیست و سوره نساء، علاوه بر این که از جهت زمانی متأخر از سوره آل عمران است، بیش‌تر سرنوشت یهود را بیان می‌کند. آیات ربا در سوره بقره نیز چنان که توضیح خواهیم داد، از حیث زمان نزول، متأخر از این آیه‌ها می‌باشند و به اعتقاد اکثر مفسران، در سال‌های آخر

۱۰۰

عمر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نازل شده‌اند.

نکته‌ای که در تفسیر این آیه‌ها مهم است - و چه بسا روح نظریه تدریج نیز در آن نهفته است - تفسیر ترکیب «اضعافاً مضاعفة» می‌باشد. برخی چون عبدالعزیز جاویش گمان کرده‌اند خداوند در این آیه تنها نوع خاصی از ربا یعنی ربای فاحش را حرام کرده است و عده‌ای برای جواب از این شبهه، نظریه تدریج را مطرح کرده‌اند. با بررسی ترکیب مذکور معلوم می‌شود نه برداشت جاویش از این آیه صحت دارد و نه برداشت قائلین به نظریه تدریج. مفسران، چند نظر پیرامون این ترکیب مطرح کرده‌اند:

۱ - اکثر مفسران معتقدند واژه «اضعافاً» در آیه شریفه از جهت ترکیب نحوی حال از کلمه «الربوا» است و واژه «مضاعفة» وصف آن می‌باشد، و مقصود از «الربوا» قرض یا دین همراه با زیادتی است. در نتیجه معنای آیه این می‌شود: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! ربا را نخورید در حالی که (در اثر تمدید و تکرار) به چند برابر اصل سرمایه رسیده است. این‌کثیر در تفسیر آیه می‌نویسد: «اضعافاً مضاعفة» اشاره به ربای جاهلی است؛ در زمان جاهلیت وقتی موعد پرداخت فرا می‌رسید طلبکار می‌گفت: یا بدهی‌ات را پرداخت کن یا مبلغ آن را بیفزای! اگر بدهکار قدرت بر پرداخت نداشت با توافق یکدیگر مبلغ آن را اضافه می‌کردند و این مسئله هر سال تکرار می‌شد و چه بسا وام اندکی به وام سنگینی تبدیل می‌گشت.^{۵۱}

علامه طباطبائی می‌گوید: «اضعافاً مضاعفة» اشاره به وصف غالب رباها دارد. وی معتقد است: ربا به طبیعت اولیه، خود به خود زیاد می‌شود و به چند برابر اصل سرمایه می‌رسد؛^{۵۲} به عبارت دیگر، به تدریج با تمدید و تکرار و با ضمیمه کردن بهره و بهره بهره به اصل سرمایه، مال اندک به چند برابر می‌رسد.

شبهه این مضمون را مفسران زیادی چون شیخ طوسی، طبرسی، فیض کاشانی، قرطبی، سیوطی، شتر، مقدس اردبیلی، زمخشری، بیضاوی و سید قطب مطرح کرده‌اند^{۵۳} و هیچ یک در صدق این آیه شرط نکرده‌اند که در همان معامله اول بایستی بدهی به دو یا چند برابر اصل سرمایه برسد. تنها زید بن اسلم گفته است: ربای جاهلی به دو برابر کردن بود. وقتی طلبکار طلب خود را از بدهکار می‌خواست، اگر وی قادر بر پرداخت نبود باید سال بعد دو برابر می‌پرداخت و اگر سال بعد هم نمی‌توانست باز برای سال بعد دو برابر می‌شد (چهار برابر مبلغ بدهی) لذا خداوند درباره آن فرمود: «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ أَوْفًا مُضَاعَفَةً».^{۵۴}

فخر رازی دو برابر کردن را حدّ بالای ربای جاهلی می‌داند و می‌گوید: در جاهلیت وقتی کسی از انسانی صد درهم طلب داشت و موعد پرداخت فرا می‌رسید و او قادر بر پرداخت نبود، طلبکار می‌گفت مبلغ بدهی را افزایش بده تا مدت را برایت تمدید کنم و گاهی مبلغ به دوپست درهم افزایش می‌یافت. سپس وقتی موعد فرا می‌رسید، مثل قبل عمل می‌شد و نتیجه این می‌شد که بعد از چند سررسید، در مقابل آن صد درهم، چند برابر می‌گرفت.^{۵۵}

۲- برخی احتمال داده‌اند مقصود از «الزّوا» در این آیه خصوص «زیادی» باشد نه قرض یا دین همراه با زیادی. در این صورت مراد از «اضعافاً مضاعفة» بهره‌های مرکب خواهد بود؛ یعنی رباهای مرکبی که در آن‌ها علاوه بر اصل قرض، بر خود بهره هم بهره تعلق می‌گیرد،^{۵۶} مانند بهره وام‌های بانکی؛ برای مثال، اگر فردی یک میلیون تومان با بهره مرکب بیست درصدی از بانک وام بگیرد و بخواهد آن را بعد از ده سال بپردازد، باید مبلغی بیش از شش میلیون تومان به بانک بازگرداند، در حالی که اگر نرخ بهره ساده بود و تنها به اصل وام تعلق می‌گرفت، تنها سه میلیون تومان به بانک می‌پرداخت.

۳- بعضی دیگر احتمال داده‌اند «اضعافاً مضاعفة» حال باشد برای فاعل «لاتأكلوا»، یعنی ای کسانی که ایمان آورده‌اید! ربا نخورید در حالی که از این طریق امواتان را زیاد و زیادت‌تر می‌کنید. این معنا را شیخ طوسی، طبرسی و مقدس اردبیلی به صورت احتمال مطرح کرده‌اند.^{۵۷}

بررسی شبهه اختصاص تحریم به ربای فاحش

چنان‌که گذشت برخی با استناد به «اضعافاً مضاعفة» ادعا کرده‌اند: تحریم اختصاص به ربای فاحش دارد؛ ربایی که در آن مبلغ بدهی به چند برابر اصل مال می‌رسد و این در صورتی است که نرخ بهره بیش از صددرصد باشد.

در جواب از این شبهه می‌گوییم:

۱- اگرچه زید بن اسلم گفته است ربای جاهلی برای تمدید بدهی دو برابر کردن بود و فخر رازی گفته است گاهی مبلغ بدهی به دو برابر می‌رسید، لکن هیچ مفسر و فقیهی در طول تاریخ اسلام حرمت ربا را مشروط به دو برابر بودن و نرخ بهره بالای صددرصد نکرده است، بلکه چنان‌که گذشت غالب مفسران قید «اضعافاً مضاعفة» را وصف غالبی برای ربا گرفته‌اند؛ به این معنا که هر ربایی به خودی خود بعد از تمدید و تکرار، به چند برابر اصل سرمایه می‌رسد.

۲ - اختصاص تحریم ربا به ربای فاحش مستلزم این است که بگوییم: (نعوذ بالله) پیامبر اکرم ﷺ، ائمه اطهار علیهم السلام و صحابه، هیچ یک معنای آیه را نفهمیده‌اند و الا به جای این که این بزرگواران این همه شدت و سخت‌گیری در مورد ربا و رباخواران به خرج دهند و یک درهم ربا را بالاتر از هفتاد بار زنا در خانه خدا بدانند و رباخواران را به جنگ تهدید کنند، می‌توانستند به رباخواران بگویند به جای بهره صد درصد، بهره نود درصد بگیرند یا توصیه کنند که در جامعه اسلامی بایستی ربا و بهره عادلانه باشد؛ چنان که در روایات متعددی به قیمت‌ها و سود عادلانه سفارش کرده‌اند. در حالی که هر کس اندکی تحقیق نماید درمی‌یابد که نه تنها در کلمات نبی اکرم ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام بلکه در کلمات هیچ صحابی و فقیه و مفسری تا صد سال پیش، هیچ‌گونه تفکیکی بین نرخ بهره کم و زیاد دیده نمی‌شود و اصولاً تعابیری چون نرخ بهره عادلانه و نرخ بهره فاحش بعد از نفوذ نظام سرمایه‌داری در کشورهای اسلامی پیدا شده است.

۳ - بر فرض بپذیریم که عبارت «اضعافاً مضاعفة» در این آیه قید حکم است و نتیجه بگیریم که این آیه تنها رباهای فاحش را حرام می‌کند، باز نمی‌توان نتیجه گرفت که در اسلام و قرآن تنها این نوع ربا حرام است؛ چرا که آیات دیگری در قرآن هست که ربا را به طور مطلق حرام کرده است، مثل آیات: «أَخْلَأَ اللَّهُ أَلْبَيْعَ وَحَرَّمَ أَلْوَابَا»^{۵۸} و «يَمْحَقُ اللَّهُ أَلْوَابَا وَيُزِيهِ أَلْصَدَقَاتِ»^{۵۹} و از همه روشن‌تر آیه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ أَلْوَابَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِن تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلُمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ»^{۶۰} این آیات^{۶۱} به طور کلی هر نوع ربایی را چه نرخ آن کم باشد یا زیاد، تحریم می‌کنند و این که برخی از طرفداران نظریه اختصاص تحریم به ربای فاحش گفته‌اند: آیه ربا در سوره آل عمران مقید است و آیات مطلق را قید می‌زند،^{۶۲} از چند جهت اشکال دارد: اولاً: حمل مطلق بر مقید جایی است که بین خطاب مطلق و خطاب مقید تنافی و تعارضی باشد و این معمولاً وقتی اتفاق می‌افتد که آن دو خطاب از جهت نفی و اثبات، مخالف هم باشند. اما اگر دو خطاب از طرف شارع مقدس برسد که در یکی عملی به نحو مطلق تحریم شده و در دیگری شکل خاصی از آن عمل حرام گردیده است، منافاتی با هم ندارند و هر دو به حال خود باقی می‌مانند؛ نهایت این که گفته می‌شود حرمت آن شکل خاص، مورد تأکید است. در مسئله ربا هم مطلب از این قرار است؛ برخی خطابات ربا را به نحو مطلق و برخی (آیه محل بحث) شکل خاصی از ربا را تحریم کرده‌اند و بین این دو هیچ تنافی و تعارضی نیست تا مطلق را حمل بر مقید کنیم. بنابراین، حکم می‌شود که انواع ربا

حرام است و ربای فاحش حرمت مؤکد دارد.

ثانیاً: حمل مطلق بر مقید در جایی است که دلالت خطاب مطلق بر اطلاق از باب ظهور باشد، اما اگر خطاب مطلق نص و صریح در اطلاق باشد، حمل مطلق بر مقید صحیح نیست و در مسئله مورد بحث، مطلب چنین است؛ چون آیه «وَإِنْ تَبْتِغُوا فَلَکُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِکُمْ لَا تَظْلُمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ»^{۶۳} به صراحت دلالت دارد که طلبکار در صورت توبه از رباخواری، تنها حق دارد اصل مالش را بگیرد، و صراحت این آیه در اطلاق نشان می‌دهد که وصف «اضعافاً مضاعفة» در آیه محل بحث مفهوم ندارد و تنها به عنوان موجبه جزئیه ربای فاحش را حرام می‌کند و نسبت به غیر فاحش ساکت است، و این نوع تعابیر متداول است؛ برای مثال، گاهی گفته می‌شود: «از استعمال مواد مخدر خودداری کنید» و گاهی گفته می‌شود: «از استعمال مواد مخدری که انسان و خانواده را به تباهی می‌کشد خودداری کنید». در این جا هیچ مخاطبی بین این دو خطاب تنافی نمی‌بیند تا مطلق را حمل بر مقید کند و نتیجه بگیرد مواد مخدری که از جهت کمیت یا کیفیت به درجه نابودی انسان و خانواده نمی‌رسد، استعمالش اشکال ندارد.

۴- اگر از آیات قرآن نتوانستیم به جواب روشنی برسیم، روایات نبی اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام در مورد اختصاص یا عدم اختصاص تحریم به ربای فاحش، جواب روشنی برای ما دارند و در روایات متعددی هر نوع زیادی، (کم باشد یا زیاد) ربا و حرام شمرده شده است؛ برای نمونه، به نقل یک حدیث بسنده می‌کنیم:

علی بن جعفر از برادرش موسی بن جعفر نقل می‌کند: از ایشان سؤال کردم در مورد مردی که به کسی صد درهم قرض می‌دهد و شرط می‌کند پنج درهم یا کم‌تر یا بیش‌تر بهره بپردازد. حضرت فرمود: این ربای محض می‌باشد.^{۶۴}

این حدیث که از جهت سند نیز معتبر است به روشنی دلالت می‌کند که نرخ بهره پنج درصدی (پنج درهم برای صد درهم قرض) و حتی کم‌تر از آن رباست. نتیجه: از مطالبی که گذشت روشن می‌شود که تحریم ربا در دین اسلام اختصاصی به ربای فاحش ندارد و تفسیر قائلین به نظریه تدریج از این آیه نیز، که با قبول اختصاص سعی داشتند با مرحله‌ای کردن تحریم از آن شبهه جواب دهند، بدون دلیل است.

بررسی مرحله پنجم (سوره بقره آیات ۲۷۵-۲۷۹)

زمان نزول

از مطالعه تفاسیر و روایات به دست می‌آید که آیات ربا در سوره بقره، در سال آخر

عمر شریف نبی اکرم ﷺ نازل شده‌اند و به اعتقاد غالب مفسران، جزء آخرین آیات نازل شده می‌باشند. ۶۵

محتوای آیه

چنان که گذشت خداوند متعال در این آیات به طور صریح و قاطع هر نوع ربا را حرام و رباخواران را در ردیف محاربین با خدا و رسول خدا ﷺ قلمداد می‌کند و در مفاد این آیات، اختلافی بین قائلین به نظریه تدریج با علمای دیگر نیست.

جمع‌بندی نهایی

از مجموع مطالبی که گذشت به نتایج زیر می‌رسیم:

۱ - آیه ۶ سورة مدثر ارتباطی به ربا ندارد و نمی‌تواند در ردیف آیات ربا به حساب آید.
۲ - آیه ۳۹ سورة روم به اعتقاد جمعی از مفسران، مربوط به هدیه است و ارتباطی به ربای محرم ندارد و به اعتقاد جمعی دیگر، هم‌سیاق با آیات سورة بقره بوده، بر تحریم ربای معروف دلالت می‌کند. بنابراین، تفسیری که قائلین نظریه تدریج از این آیه ارائه کرده‌اند صحیح نیست و هیچ سابقه‌ای ندارد.

۳ - آیه‌های ۱۶۰ و ۱۶۱ سورة نساء از جهت زمانی متأخر از آیه ربا در سورة آل عمران است و بعد از تشریح حرمت ربا برای مسلمانان نازل شده‌اند. بنابراین، برداشت قائلین به نظریه تدریج، از این آیات، از جهت زمان نزول و محتوا صحیح نیست.

۴ - آیه ۱۳۰ آل عمران هیچ دلالتی بر اختصاص تحریم به ربای فاحش ندارد.

بنابراین، نه تنها هیچ قرینه و شاهی از آیات و روایات و اقوال مفسرین متقدم و تاریخ اسلام بر تأیید نظریه تدریج نداریم، بلکه تاریخ نزول و محتوای اکثر آیات ربا منافات با آن نظریه دارد و اصولاً با رد شبهه اختصاص تحریم به ربای فاحش، فلسفه نیاز به نظریه تدریج هم از بین می‌رود.

نظریه مختار

با توجه به گسترده بودن پدیده رباخواری در جزیره العرب که ریشه‌کن کردن آن نیاز به مبارزه مداوم و طولانی داشت و با توجه به تاریخ نزول آیات ربا و محتوای آنها، به نظر می‌رسد خداوند متعال ربا را به صورت دفعی برای مسلمانان تحریم کرد، لکن در مقام اجرا و تثبیت تدریجی عمل نمود؛ به عبارت دیگر، خداوند در سه مرحله مسئله ربا را مطرح کرد:

در مرحله نخست با فرستادن آیه «وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رِبَاً لِيَرْبُوهَا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُوهَا عِنْدَ اللَّهِ» ۶۶

اعلام کرد که ربا نزد خداوند مشروع نیست و زیاده‌ای که به عنوان ربا گرفته می‌شود نامشروع و حرام است.

در مرحله دوم به فاصله چند سال، با فرستادن آیه‌های «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَرْبَابًا أُضْعَافًا مِّضَاعَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ * وَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ»^{۶۷} با بیان روشن‌تر و لسان تهدیدآمیزی مسلمانان را از ربا خواری نهی کرد و از گرفتاری آتش جهنم بیم داد.

در مرحله سوم در سال‌های آخر عمر پیامبر اکرم ﷺ با فرستادن آیات سوره بقره، با توبیخ مسلمانانی که هنوز از رباخواری دست برنداشته بودند، از یک سو به تشریح عواقب دنیوی و اخروی رباخواران پرداخت از سوی دیگر با ابطال توجیه آنان، راه‌های توبه و بازگشت را بیان نمود و از جهت دیگر، برای پیامبر و مسلمانان اعلام کرد که اگر از این به بعد کسی اقدام به رباخواری کند، اعلان جنگ با خدا و رسول خدا داده است و در سایه همین تعالیم بود که رباخواری به عنوان منفورترین شغل در میان مسلمانان جلوه نمود و به اعتقاد مفسران، بعد از قتل نفس، دومین گناه کبیره به حساب آمد.

در پایان، بیان این نکته لازم است، کسانی که معتقدند وضعیت فعلی کشورهای اسلامی از جهت ابتلا به ربا همانند وضعیت صدر اسلام است و باید احکام اسلام از جمله ربا را به تدریج پیاده نمود، اگر مقصود این افراد تدریج در اجرا و تثبیت باشد، حرف درستی است و باید متولیان امر و علما، متناسب با میزان اعتقاد مردم و ظرفیت‌های ایمانی جامعه بر پیاده شدن فروع اسلام تأکید داشته باشند. اما اگر مقصودشان تدریج در مقام تشریح اصل حرمت باشد، به آن معنایی که قائلین به نظریه تدریج مطرح می‌کنند و نتیجه بگیرند که برای مثال، ربا برای فلان جامعه هنوز به حد حرمت نرسیده و برای آن دیگری در حد حرمت ربای فاحش است و برای جامعه سوم مطلقاً حرام است، این حرف و نتیجه‌گیری قطعاً باطل است؛ چرا که هیچ فقیه و اندیشمند اسلامی حتی نسبت به احکامی که تدریجی بودن آن‌ها مشهور است (مثل حرمت شرابخواری) چنین نظری نداده است و در سیره گفتاری و عملی پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام حتی نسبت به جوامع تازه مسلمان، هیچ شاهی بر این مطلب نیست، بلکه بر عکس، متن صلح‌نامه پیامبر اکرم ﷺ با مسیحیان نجران نشان می‌دهد که حضرت با آنان نیز شرط کرد که از رباخواری دست بردارند.^{۶۸}

پی نوشت‌ها:

۱. تفسیر نمونه (چاپ بیست‌وهشتم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ ق) ج ۵، ص ۷۰-۷۴.
۲. نحل (۱۶) آیه ۶۷.
۳. بقره (۲) آیه ۲۱۹.
۴. نساء (۴) آیه ۴۳.
۵. مائده (۵) آیه ۹۰.
۶. محمد عبدالله دزازی، الزبا فی نظرالقانون الاسلامی (چاپ اول: بیروت، العصر الحدیث، ۱۴۰۷ ق) ص ۱۹.
۷. برای مطالعه بیش‌تر ر.ک: احمد مصطفی مراغی، تفسیر مراغی (چاپ دوم: بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۷۵ م) ج ۱، جزء ۳، ص ۵۹-۶۰؛ وهبة‌الزحلی، تفسیر المنیر (چاپ اول: بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۱ ق) ج ۳، ص ۹۱-۹۳؛ محمدعلی صابونی، روائع‌البیان (دمشق، مکتبه الغزالی، ۱۴۰۰ ق) ج ۱، ص ۳۸۹؛ ناصر مکارم‌شیرازی و دیگران، همان، ج ۲، ص ۳۶۴؛ سیدمحمدحسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن (چاپ سوم: اسماعیلیان، ۱۳۹۳ ق) ج ۲، ص ۴۰۸؛ عبدالرزاق سنهوری، مصادرالحق، ج ۳، ص ۲۰۰؛ محمد ابوزهره، بحوث فی الربا، ص ۲۵؛ محمد عبدالهادی، الربا والقرض فی الفقه‌الاسلامی (قاهره، دار الاعتصام، ۱۹۸۵ م) ص ۲۱؛ عبداللطیف مشهور، الاستثمار فی الاقتصاد الاسلامی (قاهره، مکتبه مدبولی، ۱۹۹۰ م) ص ۱۶۱؛ یونس رفیق‌المصری، مصرف‌التنمیة الاسلامیة، ص ۱۲۵ و جعفر عباس حاجی، المذهب‌الاقتصادی فی الاسلام (کویت، مکتبه الالفین، ۱۹۸۷ م) ص ۶۳۵.
۸. طبرسی، تفسیر مجمع‌البیان (قم، کتابخانه آیه‌الله نجفی‌مرعشی، ۱۴۰۳ ق) ج ۹، ص ۱۰۶.
۹. عبداللطیف مشهور، همان، ص ۱۶۱ به نقل از: مجموع فتاوی ابن‌تیمیه، ج ۲۹، جزء ۹، ص ۲۲.
۱۰. نساء (۴) آیات ۱۶۰-۱۶۱.
۱۱. آل‌عمران (۳) آیات ۱۳۰-۱۳۱.
۱۲. بقره (۲) آیات ۲۷۵-۲۷۹.
۱۳. محمد عبدالهادی، همان، ص ۲۱.
۱۴. بدوی، نظریة‌الربا المحرم، ص ۲۴۲ به نقل از: عبدالعزیز جاویش، مجله‌ اللواء، ۱۶-۴-۱۹۰۸.
۱۵. غریب جمال، المصارف و الاعمال‌المصرفیة فی الشریعة‌الاسلامیة و القانون، ص ۲۲۶.
۱۶. مدثر (۷۴) آیات ۱-۷.
۱۷. محمدحسین طباطبائی، همان، ج ۲۰، ص ۷۹.
۱۸. ناصر مکارم‌شیرازی و دیگران، همان، ج ۲۵، ص ۲۰۹.
۱۹. عبد علی هویزی، تفسیر نورالثقلین (چاپ چهارم: قم، اسماعیلیان، ۱۳۷۰ ق) ج ۵، ص ۴۵۴.
۲۰. محمدحسین طباطبائی، همان، ج ۲۰، ص ۸۲؛ سید قطب، فی ظلال القرآن (چاپ هفتم: بیروت، دار احیاء‌التراث العربی، ۱۳۹۱ ق) ج ۸، ص ۳۶۰؛ محمد بن جریر طبری، جامع‌البیان فی تأویل القرآن (بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۲ ق) ج ۲۹، ص ۹۴؛ طبرسی، همان، ج ۱۰، ص ۳۸۵.
۲۱. عبدعلی هویزی، همان، ج ۵، ص ۴۵۴.
۲۲. طبرسی، همان، ج ۱۰، ص ۳۸۵؛ محمد بن جریر طبری، همان، ج ۲۹، ص ۹۳؛ زمخشری، الکشاف (چاپ سوم: بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ ق) ج ۴، ص ۶۴۶؛ محمد قرطبی، الجامع لاحکام‌القرآن، (بیروت، دار احیاء‌التراث العربی) ج ۱۹، ص ۶۸؛ ابن‌کثیر، تفسیر القرآن‌العظیم (چاپ دوم: بیروت، دارالنصیر، ۱۴۱۲ ق) ج ۴، ص ۴۶۶؛ عبدالله شیر، تفسیر القرآن (چاپ دوم: بیروت، دار احیاء‌التراث العربی) ص ۵۳۸ و آلوسی، روح‌المعانی، ج ۲۹، ص ۱۱۹.
۲۳. طبرسی، همان، ج ۱۰، ص ۳۸۵؛ محمد بن جریر طبری، همان، ج ۲۹، ص ۹۴.
۲۴. محمد بن جریر طبری، همان و ابوبکر جصاص، احکام‌القرآن (بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۶ ق) ج ۵، ص ۲۶۵.

۲۵. زمخشری، همان، ج ۴، ص ۶۴۶.
۲۶. طبرسی، همان، ج ۱۰، ص ۳۸۵.
۲۷. فخر رازی، تفسیر کبیر (قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۱ ق) ج ۳۰، ص ۱۹۴ و طنطاوی، الجواهر فی تفسیر القرآن (چاپ چهارم: بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ ق) ج ۲۴، ص ۳۰۰.
۲۸. ابوبکر جصاص، همان، ج ۵، ص ۳۶۸ و ناصر مکارم شیرازی و دیگران، همان، ج ۲۵، ص ۲۵۸.
۲۹. طبرسی، همان.
۳۰. عبداللطیف مشهور، همان به نقل از: مجموع فتاوی ابن تیمیہ، جلد ۲۹، جزوه ۹، ص ۲۲.
۳۱. آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن (چاپ چهارم: بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ ق) ج ۲۱، ص ۱۶.
۳۲. محمد قرطبی، همان، ج ۱۴، ص ۱.
۳۳. محمدحسین طباطبائی، همان، ج ۱۶، ص ۱۸۵.
۳۴. همان، ج ۲، ص ۴۰۸.
۳۵. عن ابی عبدالله (علیه السلام) قال: الربا ربا، ان ربا یؤکل و ربا لا یؤکل؛ فاما الذی یؤکل فهدیتک الی الزجل تطلب منه الثواب افضل منها فذلک الربا الذی یؤکل و هو قول الله عز و جل «و ما آتیتم من ربا لیربوا فی اموال الناس فلا یربوا عند الله» و اما الذی لا یؤکل فهو الذی نهی الله عز و جل عنه و اوعده علیه النار (حرعاملی، وسائل الشیعه، (چاپ پنجم: بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۳۸ م)، ج ۱۲، کتاب التجاره، ابواب الربا، ب ۳، ح ۱).
۳۶. الربا ربوان: ربا حلال و ربا حرام؛ فاما الربا الحلال فهو الذی یربوا ما هو افضل منه و... (محمد قرطبی، همان، ج ۱۴، ص ۳۶).
۳۷. ر.ک: شیخ طوسی، التبیان (بیروت، دار احیاء التراث العربی) ج ۸، ص ۲۸۴؛ میرزا محمد مشهدی، کنز الدقائق (قم، مرکز نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۷ ق) ج ۷، ص ۶۰۰؛ محمد قرطبی، همان، ج ۱۴، ص ۳۶؛ ابوبکر جصاص، همان، ج ۵، ص ۲۱۷؛ ابن عربی، احکام القرآن (چاپ اول: بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۸ ق)؛ طنطاوی، همان، ج ۱۵، ص ۷۶ و سید قطب، همان، ج ۶، ص ۴۶۰.
۳۸. محمد قرطبی، همان، ج ۱۴، ص ۳۶.
۳۹. آلوسی، همان، ج ۲۱، ص ۴۵.
۴۰. ابوبکر جصاص، همان، ج ۵، ص ۲۱۸.
۴۱. بقره (۲) آیه ۲۷۶.
۴۲. زمخشری، همان، ج ۳، ص ۴۸۱.
۴۳. شیخ طوسی، همان، ج ۸، ص ۲۵۴.
۴۴. آلوسی، همان، ج ۲۱، ص ۴۵.
۴۵. محمدحسین طباطبائی، همان، ج ۲، ص ۴۰۸ و ج ۱۶، ص ۱۸۵.
۴۶. طبق نقل مفسران و آشنایان به علوم قرآن، سوره های مدنی به ترتیب نزول عبارت بودند از: سوره بقره، انفال، آل عمران، احزاب، ممتحنه و نساء. پس سوره نساء ششمین سوره از سوره های مدنی و نود و دومین سوره نازل بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می باشد، در حالی که سوره آل عمران سومین سوره مدنی و هشتاد و نهمین سوره نازل می باشد (هاشم زاده هریسی، شناخت سوره های قرآن، ص ۷۸ به بعد و ر.ک: ص ۱۴۹ و ۱۵۵).
۴۷. جعفر مرتضی عاملی، الصحیح فی سیره النبی، ج ۴، ص ۱۲۴-۱۲۶، با تلخیص.
۴۸. طبرسی، همان، ج ۳، ص ۱۲۳.
۴۹. هاشم زاده هریسی، همان، ص ۱۴۹.
۵۰. فخر رازی، همان، ج ۹، ص ۲؛ محمد بن جریر طبری، همان، ج ۴، ص ۷۲ و محمد صادقی، الفرقان فی تفسیر القرآن (چاپ دوم: قم، اسامعیان، ۱۴۰۸ ق) ج ۴، ص ۳۷۷.
۵۱. ابن کثیر، همان، ج ۱، ص ۳۵۱.

٥٢. محمد حسين طباطبائي، همان، ج ٤، ص ١٩.
٥٣. ر.ك: شيخ طوسي، همان، ج ٢، ص ٥٨٧؛ طبرسي، همان، ج ٢، ص ٥٠٢؛ فيض كاشاني، تفسير صافي (بيروت، مؤسسة الاعلمي للمطبوعات) ج ١، ص ٣٨٠؛ محمد قرطبي، همان، ج ٤، ص ٢٠٢؛ جلال الدين سيوطي، الدر المنثور (قم، كتابخانه آية الله نجفي مرعشي، ١٤٠٤ ق) ج ٢، ص ٧١؛ عبدالله شبر، همان، ص ٩٩؛ اردبيلي، احكام القرآن (تهران، المكتبة المرتضوية) ص ٤٣٦؛ زمخشري، همان، ج ١، ص ٤٠٤؛ بيضاوي، انوار التنزيل واسرار التأويل (بيروت، مؤسسة الاعلمي للمطبوعات، ١٤١٠ ق) ج ١، ص ١٨٠؛ سيد قطب، همان، ج ٢، ص ٧٤.
٥٤. محمد بن جرير طبري، همان، ج ٤، ص ٥٩؛ رشيد رضا، تفسير المنار (بيروت، دار المعرفه) ج ٤، ص ١٢٣.
٥٥. فخر رازي، همان، ج ٩، ص ٢.
٥٦. تفسير مراغي، ج ١، جزء ٣، ص ٦١؛ رفيق مصري، الجامع في اصول الربا، ص ٣٨-٣٩؛ مرتضى مطهري، ربا - بانك - بيمة (چاپ اول: تهران، صدر، ١٣٦٤) ص ١٩٧.
٥٧. شيخ طوسي، همان، ج ٢، ص ٥٨٧؛ طبرسي، همان، ج ٢، ص ٥٠٢.
٥٨. بقره (٢) آية ٢٧٥.
٥٩. همان، آية ٢٧٦.
٦٠. همان، آيات ٢٧٨ - ٢٧٩.
٦١. ترجمه و توضيح آن ها در بيان مرحله پنجم گذشت.
٦٢. غريب جمال، المصارف و الاعمال المصرفيه في الشريعة الاسلاميه والقانون، ص ٢٢٦.
٦٣. بقره (٢) آية ٢٧٩.
٦٤. علي بن جعفر عن اخيه موسى بن جعفر (عليه السلام) قال: سألته عن رجل اعطى رجلاً مائة درهم على ان يعطيه خمسة دراهم او اقل او اكثر قال: هذا الربا المحض (حر عاملي، همان، ج ١٣، ص ١٠٨).
٦٥. شيخ طوسي، همان، ج ٢، ص ٣٦٩؛ طبرسي، همان، ج ٢، ص ٣٩٤؛ محمد بن جرير طبري، جامع البيان، ج ٣، ص ٧٥؛ ابن كثير، همان، ج ١، ص ٣١٠؛ جلال الدين سيوطي، همان، ج ١، ص ٣٦٩ و ٣٧٠.
٦٦. روم (٣٠) آية ٣٩.
٦٧. آل عمران (٣) آيات ١٣٠ - ١٣١.
٦٨. ابن اثير، الكامل في التاريخ (بيروت، دار بيروت للطباعة و النشر، ١٤٠٢ ق) ج ٢، ص ٢٩٤.